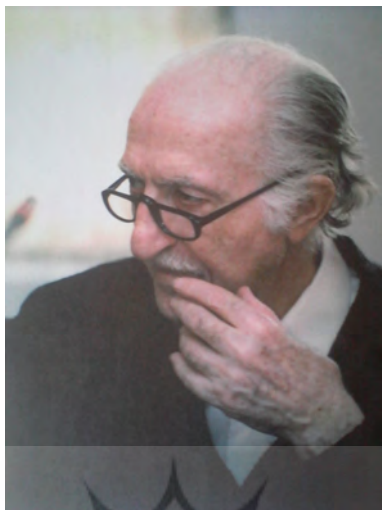


ابوالحسن نجفی، مؤسس زبان‌شناسی ایرانی در حوزه وزن شعر فارسی



امروزه وزن‌شناسی (metrics) یکی از مباحث عمده واج‌شناسی محسوب می‌شود و تحقیقات بسیاری در این حوزه صورت می‌گیرد. زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان بزرگی چون رومان یاکوبسون، تروبتسکوی، موریس هله، بروس هیز، کیپارسکی، نایجل فب و بسیاری دیگر مقاله‌ها و آثار پژوهشی مهمی در این حوزه به‌رشته تحریر درآورده‌اند، اما در گروه‌های زبان‌شناسی ایران معمولاً توجه چندانی به این رشته نمی‌شود. بحث توصیف وزن شعر در دانشگاه‌های ایران عمدتاً از موضوعات گروه‌های ادبیات فارسی است که در آنجا نیز استادان وزن شعر فراتر از مطالب شمس قیس و خواجه نصیر نمی‌روند و نهایتاً چیزی جز مفهوم «هجا» به مباحث آنان نمی‌افزایند! در ایران نخستین جوانه‌های عروض علمی از بین زبان‌شناسان و از درون گروه‌های زبان‌شناسی سربرآورد که متأسفانه این جریان به‌رغم فواید و پیشرفت‌های بسیاری که داشت، به‌هردلیل، ادامه نیافت و پس از کمتر از یک دهه متوقف شد و در کمتر گروه زبان‌شناسی بدان پرداخته شد. نخستین بار در سال‌های آغازین دهه پنجاه بود که ابوالحسن نجفی (۱۳۹۴-۱۳۰۶)، به‌دعوت دکتر هرمز میلانیان، تدریس وزن شعر به‌شیوه جدید را به دانشجویان رشته زبان‌شناسی دانشگاه تهران آغاز کرد، و به‌دنبال همان کلاس‌ها بود که توانست مقاله بسیار مهم «اختیارات شاعری» (۱۳۵۲) را منتشر سازد (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۸۰). علاوه‌براین، در

کلاس‌های او بود که دانشمندانی چون ساسان سپنتا، محمدتقی وحیدیان کامیار و احمد سمیعی به این حوزه علاقه‌مند شدند و در آن به تحقیق و تفحص پرداختند. چنان‌که گفتیم، درخشش این خاتم فیروزه در گروه‌های زبان‌شناسی ایران متأسفانه چندان دوامی نیافت و تعطیل شد، اما زبان‌شناس برجسته‌ای چون ابوالحسن نجفی نه‌تنها جانب این بحث را رها نکرد، بلکه در تکمیل و توسعه آن بسیار کوشید تا عاقبت توانست عروض فارسی را از عروض عربی جدا سازد و توصیفی جامع و کامل از وزن شعر فارسی به‌دست دهد. ابوالحسن نجفی در حوزه‌های بسیاری، همچون ترجمه، ویرایش، فرهنگ‌نویسی و ادبیات تطبیقی، فعالیت کرد و آثار ارزشمند متعددی پدید آورد، اما بی‌تردید مهم‌ترین کار وی تحقیقاتی است که در حوزه وزن شعر فارسی انجام داده است. نجفی سلطه هزار و اندی ساله عروض تجویزی سنتی را که به‌شدت تحت تأثیر عروض عربی بود، از میان برداشت و برای نخستین بار عروض فارسی را مستقل از عروض عربی بنیان نهاد.

وظیفه نظریه این است که پدیده یا واقعیت خاصی را توصیف و تبیین کند، اما گاهی نظریه‌ای پیچیده‌تر از پدیده یا واقعیت مورد بحثش از آب درمی‌آید و، در نتیجه، شبیه به ابزاری می‌شود که نه‌تنها هیچ کمکی به پیش‌برد کار نمی‌کند، بلکه چنان مخمل و مزاحم می‌شود که حتی بدون آن راحت‌تر می‌توان کار را به‌انجام رساند! امروزه، مخصوصاً در ساحت مطالعات نظری زبان‌شناسی، با تعداد بسیاری از این قبیل نظریه‌ها روبرو هستیم، و جالب است که عروض سنتی چنین نظریه‌ای بوده است. عروض سنتی، با تحمیل انگاره‌های عروض عربی بر عروض فارسی، وزن شعر فارسی را همچون یکی از مشتقات و متفرعات وزن شعر عربی توصیف می‌کند، و از آنجاکه ساختار این دو وزن کاملاً از هم متفاوت است، رویکردی تجویزی و مغلوط و مملو از ابهام از وزن شعر فارسی به‌دست می‌دهد. در واقع، تصویر مخدوشی که نظریه عروض سنتی از وزن شعر فارسی عرضه داشته است، بیشتر باعث گمراهی متعلم است تا مشوق و راهنمای او در فراگیری مبانی واقعی وزن شعر فارسی! یادگیری عروض سنتی، به‌علت قواعد بیهوده و بسیاری و نیز به‌علت اصطلاحات و نام‌گذاری‌های پرشمار و بی‌اساس، مستلزم صرف وقت بسیار است و بدتر آن‌که، در پایان نیز سؤالات بسیاری را بدون پاسخ رها می‌کند. نجفی توانست، با انتشار مقالات متعددی در زمینه وزن شعر، افق‌های جدیدی را در مطالعات مربوط به عروض فارسی پدید آورد و زمینه را برای انجام تحقیقات بنیادی دیگری در زمینه وزن شعر

فارسی مهیا سازد. او همواره دربارهٔ کسانی که بیشترین تأثیر را در پیش‌برد تحقیقاتش داشتند از استادانش، پرویز نائل خانلری در دانشگاه تهران و آندره مارتینه در دانشگاه سوربن، یاد می‌کرد، و نیز به این نکته اشاره می‌کرد که تدریس وزن شعر به دانشجویان زبان‌شناسی دانشگاه تهران در اوایل دههٔ ۵۰ این فرصت را به وی داد تا بتواند عقاید و آرای جدید خودش را درزمینهٔ وزن شعر به‌محک بحث بگذارد (نجفی، ۱۳۹۰: ۵۰-۴۸؛ و ۱۸۳-۱۸۰). این همه سبب شد تا وی بتواند عاقبت مقالهٔ مهمش را با عنوان «اختیارات شاعری» در سال ۱۳۵۲ در مجلهٔ *جنگ اصفهان* منتشر کند. این مقاله بی‌تردید برجسته‌ترین اثر تحقیقی در حوزهٔ وزن شعر فارسی است، زیرا مبانی تقطیع عروضی شعر فارسی را به‌روشنی مشخص کرده و مقدمات پرداختن به بحث بنیادی‌تر طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی را آماده کرده است. او سپس در سال ۱۳۵۹، در مجلهٔ *آشنایی با دانش*، مقالهٔ «طبقه‌بندی‌های وزن شعر فارسی» را منتشر ساخت و در آن تمام دیدگاه‌های موجود درزمینهٔ طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی را با دیدی انتقادی معرفی و بررسی کرد و نواقص و معایب هرکدام را به‌دقت نشان داد؛ صورت ویراسته و تجدیدنظرشدهٔ این مقاله در نجفی (۱۳۹۴الف) آمده است. نجفی با این دو مقاله و مقالات متعدد دیگری که پس از آنها منتشر کرد، زمینه را برای انجام مطالعات واج‌شناسی و وزن‌شناسی درمورد وزن شعر فارسی میسر ساخت و در نتیجه، موضوع وزن شعر را به جایگاه واقعی خودش در حوزهٔ مطالعات زبان‌شناسی برکشاند (نجفی، ۱۳۹۴ب).

نجفی تصریح می‌کند که یکی از وظایف اساسی علم این است که دیدگاهی برگزیند تا مسائل را از پیچیدگی برهاند. وی سپس از لزوم نظریه‌ای سخن می‌گوید که با کمک آن بتوان پدیده‌ها را تبیین و توصیف کرد. «در واقع او در اینجا به یکی از اصول اولیهٔ زبان‌شناسی نقش‌گرا و مخصوصاً نظرات استادش، آندره مارتینه، دربارهٔ مفهوم «اعتبار» (relevancy به انگلیسی؛ pertinence به فرانسه) اشاره می‌کند که معتقد است نخستین گام در بررسی علمی هر موضوعی عبارت است از محدود کردن موضوع بحث به یکی از جنبه‌های معتبر (pertinent) آن، و نیز این‌که سنجیدن جنبه‌های دیگر آن موضوع، باید به‌ترتیب درجهٔ اهمیتشان و بر مبنای همان جنبهٔ معتبر اصلی باشد (نجفی، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۹۹). مارتینه در تعریفی که از زبان به‌دست می‌دهد، زبان را، بیش از هر چیز، ابزاری برای برقراری ارتباط می‌داند، از این رو مهم‌ترین نکته در بررسی زبان را نیز چیزی جز امر ارتباط نمی‌داند و معتقد است باقی

نقش‌های زبان جنبهٔ ثانوی دارند و تنها در پیوند با همین نقش اصلی قابل بررسی و تعمق هستند (مارتینه، ۱۹۷۲: ۶؛ طیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۱۸-۱۰۳). پس نجفی نیز برای پی‌بردن به «نخستین و مهم‌ترین جنبهٔ عروض»، وزن شعر را به‌صورت زیر تعریف می‌کند: «وزن ادراک تناسبی است که از تکرار مقادیر متساوی و منفصل حاصل می‌شود» (نجفی، ۱۳۵۹؛ و نیز با تفصیل بیشتر، نجفی، ۱۳۹۰الف: ۲۰۳-۲۰۱). وی سپس، براساس این تعریف، بحث می‌کند که چون وزن شعر عروضی فارسی مبتنی بر کمیت هجاهاست، پس «نخستین و مهم‌ترین جنبهٔ عروض، تعیین کمیت هجاها و شمارش آنها به‌منظور تقطیع است» (اختیارات). درواقع، او نخستین کسی است که فهرست کاملی از انواع هجاهای شعر عروضی فارسی و کمیت آنها را (شامل شش هجا، با سه کمیت کوتاه و بلند و کشیده) به‌دست می‌دهد، و پس از طرح کمیت هجاها متذکر می‌شود که قاعدهٔ اصلی عروض فارسی عبارت است از اینکه «کمیت‌های دو مصراع یک بیت باید نظیربه‌نظیر یکسان باشد. یعنی کمیت کوتاه باید در مقابل کمیت کوتاه، و کمیت بلند در مقابل کمیت بلند قرار گیرد» (نجفی، ۱۳۹۰ب: ۱۸۴). از آنجا که بر هر قاعده‌ای در علوم انسانی معمولاً استثنائاتی نیز وارد است، گام بعدی پس از تعیین کمیت هجاها و تعریف قاعدهٔ اصلی، لاجرم، عبارت خواهد بود از تعیین موارد عدول از قاعدهٔ اصلی. نجفی امروزه موارد عدول از قاعدهٔ اصلی وزن را به‌ترتیب، ذیل سه عنوان «استثنائات»، «اختیارات شاعری» و «ضرورت‌های وزنی» بررسی می‌کند (از مقدمهٔ اینجانب بر: نجفی، ۱۳۹۴ب: ۲۱-۱۱).

نجفی توانست در آخرین سال حیاتش دو مجموعه از مقالاتش را که به مبانی تقطیع و بررسی طبقه‌بندی‌های وزن‌های شعر فارسی اختصاص داشتند و طی بیش از چهل سال در نشریات و مجموعه‌های گوناگون چاپ شده بودند، با ویرایش و تجدید نظر جزئی منتشر سازد (نجفی، ۱۳۹۴الف؛ ب). وی همچنین دو کتاب دیگر خود را نیز آمادهٔ انتشار کرده بود که متأسفانه به‌علت بیماری نتوانست کار انتشار آنها را تا به‌پایان دنبال کند. این دو کتاب عبارتند از وزن شعر فارسی (که درواقع درس‌نامهٔ وزن شعر فارسی است و به‌زودی منتشر خواهد شد)، و طبقه‌بندی اوزان شعر فارسی (که مهم‌ترین کار او در زمینهٔ وزن شعر فارسی است و امیدواریم تا اواخر سال آینده منتشر شود).

یک نکته در زندگی علمی ابوالحسن نجفی کاملاً مشهود است، و آن این‌که هرگاه فرصت کار کردن در محیط‌های علمی و دانشگاهی را یافت، و هرگاه توانست با دانشجویانش گفتگو و تعاملی داشته باشد، آثار علمی بسیار ارزشمندی نیز پدید آورد. مثلاً مقاله پژوهشی و مفصل او در زمینه ادبیات تطبیقی (۱۳۵۱) حاصل کلاس‌هایش در دانشگاه اصفهان (۱۳۴۹-۱۳۴۶) بود.^۱ و مقاله مهم «اختیارات شاعری» (۱۳۵۲) وی نیز، چنان‌که اشاره شد، تاحدّ زیادی حاصل کلاس‌های وزن شعر او در گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران در پیش از انقلاب بود. وی در سال‌های پس از انقلاب نیز در دانشگاه علامه طباطبایی مشغول به کار شد اما به‌عللی خیلی زود ناچار به کناره‌گیری از کار تدریس در دانشگاه شد و به مرکز نشر دانشگاهی و سپس به فرهنگستان زبان و ادب فارسی رفت (نجفی، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۵).^۲ وی تا آخرین روزهای حیاتش به عروض می‌اندیشید و بیش از آنکه در فکر ثبت آرا و نظراتش باشد، می‌کوشید تا گره‌نکات جدیدی را که در این حوزه با آنها مواجه شده بود بگشاید.

اینک، از رهگذر بیش از ۴۰ سال تلاش مدام و بی‌وقفه استاد ابوالحسن نجفی، بحث توصیف وزن شعر فارسی به چنان حدی از کمال رسیده است که به راحتی می‌توان و باید آن را در مقام یکی از موضوعات واج‌شناسی در گروه‌های زبان‌شناسی کشور تدریس کرد و در گسترش و تعمیق آن کوشید. چنان‌که دیدیم، نجفی خود تحت تأثیر و با پشت‌گرمی زبان‌شناسان برجسته‌ای همچون دکتر پرویز ناتل خانلری و آندره مارتینه و دکتر هرمز میلانیان توانست معضل توصیف وزن شعر فارسی را حل کند و آن را از عروض عربی جدا سازد. از سوی دیگر، واقعیت این است که سرسخت‌ترین مدافعان عروض سنتی هنوز هم در بیشتر گروه‌های ادبیات فارسی، با جان‌سختی بسیار، مانع از طرح مبانی عروض علمی جدید می‌شوند و این امر لزوم تدریس و طرح عروض جدید فارسی را در گروه‌های زبان‌شناسی کشور صدچندان می‌کند. حدود چهل سال پیش از این، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران تنها گروه زبان‌شناسی ایران بود که با حضور دانشمندانی چون هرمز میلانیان، علی‌اشرف صادقی، یدالله ثمره، محمدرضا باطنی و علی‌محمد حق‌شناس در دوره اوج خود به سر می‌برد. این گروه با دعوت از ابوالحسن نجفی برای تدریس وزن شعر، برای نخستین بار، متولی بحث وزن شعر در حوزه زبان‌شناسی ایرانی

۱. این مقاله هنوز نیز یکی از معتبرترین و دقیق‌ترین آثار در حوزه ادبیات تطبیقی به زبان فارسی است

۲. شرح نحوه اخراج نجفی از دانشگاه در این صفحه‌ها تکان‌دهنده و عبرت‌آموز است!

شد و دیری نیز نگذشت که انتشار مقاله «اختیارات شاعری» (۱۳۵۲) نشان داد تصمیم آن گروه تا چه میزان صحیح و بجا بوده است. امروزه گروه‌های زبان‌شناسی موفق دیگری نیز در ایران پاگرفته‌اند که می‌توانند و باید به آن سنت صحیح علمی بازگردند و مجدداً متولی وزن شعر در مقام یکی از شاخه‌های اصلی واج‌شناسی بشوند. این عمل نه فقط به توسعه و تعمیق مطالعات نظری واج‌شناسی و وزن‌شناسی منجر می‌شود، بلکه، مهم‌تر از آن، به تقویت زبان‌شناسی ایرانی در این حوزه می‌انجامد. نجفی بی‌تردید پایه‌گذار مطالعات وزن‌شناسی در حوزه زبان‌شناسی ایرانی است، و برماست که نام و راه وی را در این حوزه زنده نگاه داریم.

امید طبیب‌زاده^۱

دانشگاه بوعلی سینا

منابع

- طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۰). «مبانی زبان‌شناسی عمومی؛ اصول و روش‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا نقد و معرفی کتاب مبانی زبان‌شناسی عمومی. اثر آندره مارتینه، ترجمه هرمز میلانیان، تهران: هرمس، ۱۳۸۰». *مجله زبان‌شناسی*. س ۱۶، ش ۲، پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان، ۱۱۸-۱۰۳.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۱). «ادبیات تطبیقی چیست؟». *ماهنامه آموزش و پرورش*. دوره ۴۱، ش ۷، فروردین، ۴۴۸-۴۳۵.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۲). «اختیارات شاعری». *جنگ اصفهان؛ ویژه شعر*. دفتر دهم.
- نجفی، ابوالحسن (فروردین ۱۳۵۹). «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی (بحث روش)». *آشنایی با دانش*.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۰). «مصاحبه با ابوالحسن نجفی». *جشن‌نامه ابوالحسن نجفی*. به‌همت امید طبیب‌زاده، تهران: نیلوفر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴ الف). *درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، تهران: نیلوفر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴ ب). *اختیارات شاعری و مقاله‌های دیگر در عروض فارسی*. تهران: نیلوفر.